

نسخه، و در ۵۵۴ صفحه به زیور طبع
آراسته شد.

سازمان دهی کتاب در قالب سه
دفتر به انضمام مقدمه و کلیات انجام
پذیرفته است.

دفتر اول تحت عنوان «جمعیت»
مشمول بر شش فصل، در ۱۱۰ صفحه
توسط آقایان محمدحسین احسانی و
عباس ابک به رشته‌ی تحریر در آمده
است.

دفتر دوم با عنوان «عشایر» در
قالب نه فصل در ۱۷۵ صفحه به
وسیله آقای علی‌رضا شاه‌حسینی تهیه
و تدوین شده است.

دفتر سوم یا آخرین بهره از کتاب
سیمای استان سمنان، با عنوان
«فرهنگ عامه»، در ۲۴۰ صفحه و در
چهار بخش و ۲۳ فصل توسط آقای
حسن شادپور تألیف گردیده است.
«مقدمه»ی این کتاب را استاندار وقت
استان سمنان نگاشته، به‌علاوه مدیر
کل امور اجتماعی و انتخابات
استاندار سمنان، تحت عنوان

**سیمای استان سمنان؛
جمعیت، عشایر
و فرهنگ عامه**

علی‌رضا شاه‌حسینی و دیگران

معرفی و نقد کتاب:

**سیمای استان سمنان؛
جمعیت، عشایر و فرهنگ عامه**

مقدمه

به اهتمام دفتر امور اجتماعی و
انتخابات استانداری سمنان، جلد دوم
کتاب «سیمای استان سمنان؛
جمعیت، عشایر و فرهنگ عامه»،
در سال ۱۳۸۱ با شمارگان ۲۰۰۰

جمعیتی با بهره‌گیری از جداول مربوط، به تفصیل در اجزا و ابعاد مختلف مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

نویسندگان این دفتر، ضمن بررسی موردی، گهگاه با بررسی مقایسه‌ای، وضعیت جمعیتی کشورهای توسعه یافته‌ی صنعتی را نسبت به کشورهای جهان سوم سنجیده، و جایگاه ایران و استان سمنان را در این میانه تعیین کرده‌اند و راه‌کارهایی را نیز جهت بهبود وضعیت اجتماعی مردم منطقه ارائه داده‌اند. در این دفتر شهرستان‌های چهارگانه‌ی سمنان، دامغان، شاهرود و گرمسار و ۱۲ شهر مهدی‌شهر، شهمیرزاد، امیریه، سرخه، مجن، کلاته‌خیج، بسطام، میامی، بیارجمند، دیباج، آرادان و ایوانکی محور اصلی بررسی‌ها بوده‌اند.

دفتر دوم، به وضعیت عشایر استان، در ارتباط با سه شهرستان سمنان، گرمسار و شاهرود اختصاص یافته، پیشینه‌ی تاریخی و فعالیت‌های عشایر و طوایف مهم سنگسری، پروری، افتری، باصری، اسیری،

«سخنی با خواننده»، به ضرورت تدوین این اثر و دیگر آثار در شرف انتشار مربوط به استان سمنان نکاتی را مطرح ساخته است، که به انضمام «کلیات»، قبل از ساختار اصلی کتاب قرار گرفته و ۲۵ صفحه از حجم آن را به خود اختصاص داده است.

در این نوشتار تلاش شده است که پس از معرفی مختصر محتوا و سرفصل‌های این اثر پژوهشی، آن را از جنبه‌های مختلف محتوایی، روشی، شکلی و ساختاری به نقد کشیده و در پایان امتیازات و نکات مثبت آن بیان گردد. ابتدا به معرفی اثر می‌پردازیم:

الف) معرفی اثر

در دفتر اول، مباحث جمعیت، جمعیت‌شناسی و تعریف اصطلاحات و مفاهیم مرتبط با موضوع، شامل: ساختار و ترکیب جمعیتی استان سمنان، وضعیت نهاد خانواده و ازدواج، حرکات جمعیت، تحرکات مکانی جمعیت، توزیع سنی، جنسی، ترکیب جمعیت شهری و عشایری، مهاجرت، مرگ و میر، تغذیه، سواد و آموزش، سیاست‌ها و برنامه‌ریزی

دفتر سوم، به معرفی فرهنگ عامه‌ی مردم استان سمنان پرداخته و آن را در قالب بررسی‌های مردم‌شناسی و مردم‌نگاری شهرستان‌های سمنان، شاهرود، گرمسار و دامغان ارائه داده است. ازدواج و تشکیل خانواده، آیین‌ها و مراسم مذهبی و رسوم عزاداری، مراسم عید نوروز، بازی‌های محلی، نظام آبیاری سنتی، پزشکی عامیانه، پوشاک و ضرب‌المثل‌ها از جمله موضوعاتی هستند که در این دفتر مورد بررسی قرار گرفته است. در انتهای دفتر سوم نیز، علاوه بر منابع و مآخذ، با درج ۱۶ تصویر، فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم استان به نمایش گذاشته شده است.

ب) نقد

۱- نقد محتوایی

۱-۱- عدم توجه به ساختار قدرت اجتماعی و سلسله‌مراتب ایلی: بررسی نظام ایلی - عشایری، بدون توجه به ساختارهای اجتماعی، و به‌ویژه ساختار قدرت اجتماعی، و چگونگی نظام سلسله‌مراتب ایلی

الیکایی، اصانلو، پازوکی، عرب، کتی، کُرد، هداوند، بوربور، شصتی، عرب سرهنگی، نفر، خوار و توران، چوداری، پل ابریشم، طرود، گرایلی و عرب اسکندری بررسی و ارائه شده است.

اوضاع اجتماعی، فعالیت‌های اقتصادی، وضعیت انرژی و سوخت، توزیع و مبادله و برنامه‌ریزی توسعه، در زمره‌ی موضوعاتی است که به‌صورت کلی در مورد ایلات و طوایف منطقه طرح می‌شود. در مواردی نیز، نگارنده‌ی این دفتر، به‌صورت موردی عشایر خاصی را محور بررسی‌های خود می‌سازد. به‌عنوان نمونه، در فصول سوم، چهارم و هشتم از دفتر دوم، وضعیت کوچ و ایل‌راه‌ها و نیز مسکن و فضا‌های مسکونی عشایر سنگسری و الیکایی، قلمرو جغرافیایی عشایر و به‌ویژه قلمرو قشلاقی و عشایر سنگسری، چاشمی، هیکویی، شمال و شمال شرق شاهرود و پل ابریشم مورد توجه بوده است. در انتهای دفتر نیز، علاوه بر منابع و مآخذ ۱۱ عکس از عشایر استان درج شده است.

و به زندگی یکجانشینی رو آورده‌اند. جایگاه عشایر استان در میان عشایر کشور، و جهت گیری آینده زندگی عشایری در این منطقه نیز از دیگر مجهولات این کتاب است. پاسخ به این سؤال‌ها بر غنای پژوهش‌های آتی در این حوزه خواهد افزود.

۳-۱- تمرکز بیش از حد بر جنبه‌های تاریخی و جغرافیایی عشایر، و غفلت از ویژگی‌های فرهنگی، عرف و عادات، سنت‌ها و آداب و رسوم عشایر نیز از نقاط ضعف اثر محسوب می‌شود. به‌علاوه در دفتر اول و سوم نیز از توجه به مسایل عشایر استان غفلت شده است.

۴-۱- عدم هم‌خوانی عنوان کتاب با محتوای آن، از نقاط ضعف آشکار آن محسوب می‌شود. در ذیل عنوان سیمای استان سمنان، زیرعنوان «جمعیت، عشایر و فرهنگ عامه» درج شده است. انتخاب این زیرعنوان این انتظار را در خواننده ایجاد می‌کند که جلد دوم این مجموعه، اختصاصاً به بررسی ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی عشایر استان پرداخته است؛ حال آن‌که برخلاف

کامل نخواهد بود. درحالی‌که یک سوم کتاب به عشایر استان سمنان اختصاص یافته است و دقت نظر نویسندگان محترم به حدی بوده است که خط تولید کره و زنجیره‌ی تبدیل شیر به پنیر در قالب نمودارهای دقیق و مبسوطی ارایه شده است (نمودارهای شماره ۹ و ۱۰، صص ۲۴۱ و ۲۴۲)؛ مناسبات و روابط اجتماعی، منابع و ساختار قدرت، اعم از رسمی و غیررسمی، و نیز ساختار مالکیت، اعم از مالکیت خصوصی و جمعی بر رمة، زمین، آب و درخت از قلم افتاده و مورد توجه و بررسی قرار نگرفته است، به‌علاوه درحالی‌که فصل اول از دفتر دوم با عنوان «پیشینه‌ی تاریخی و ساختار ایلی» مشخص گردیده، ساختار ایلی به مفهوم دقیق کلمه مورد طرح و بررسی قرار نگرفته است.

۲-۱- در این کتاب مشخص نیست که از مجموع ایلات و عشایر استان سمنان، درصد عشایر کوچ‌رو، نیمه‌کوچ‌رو و اسکان یافته چقدر بوده، و ایلات اسکان یافته بنا به چه دلایلی زندگی عشایری را ترک کرده

انتظار، موضوعات و محورهایی در این جلد از کتاب مطرح شده است، که جنبه‌ی عشایری و ایلی ندارند، و می‌توانست جلد مجزایی به خود اختصاص دهد.

۵-۱- توجه ویژه به شهرستان سمنان، و کم‌توجهی به دیگر مناطق شهری: بخش اول از دفتر سوم کتاب سیمای استان سمنان، با حدود ۹۰ صفحه، به فرهنگ عامه‌ی شهرستان سمنان اختصاص یافته است. انتظار آن بود که شهرستان سمنان به همراه دیگر نقاط شهری و روستایی این شهرستان؛ یعنی: سرخه، مهدی‌شهر و شهمیرزاد و روستاهای آن توأمأ مورد دقت نظر قرار گیرد؛ حال آن‌که عملاً مناطق شهری مورد بررسی قرار گرفته و روستاهای یاد شده در حاشیه قرار داشته، یا اصلاً مورد عنایت نبوده‌اند. بدین لحاظ این بخش از کتاب برخلاف عنوان آن «سمنان محور» می‌باشد. به هر تقدیر، فصول ده‌گانه‌ی این بخش، گویاتر از هر سخنی است:

الف) فصل ششم یا «نظام آبیاری سنتی در سمنان»، تنها معطوف به

بررسی نظام آبیاری سنتی شهرستان سمنان بوده، و از نظر روشی به جای تمرکز بر بررسی موردی^۱ و میدانی^۲، کتاب معروف دکتر جواد صفی‌نژاد تحت عنوان «آبیاری سنتی در ایران» را دست‌مایه‌ی تدوین این فصل از کتاب قرار داده است (صص ۳۶۶-۳۵۷). به‌علاوه، نظام میرابی (با تأکید بر میراب^۳) که بر نحوه‌ی تقسیم و میزان استفاده از آب نظارت داشته است، در برخی از مناطق شهری، اهمیت حیاتی آب به‌ویژه بهره‌گیری از آب جویبارها به حدی است که در اسناد مالکیت رسمی، حق استفاده از آب جویبارها توسط دولت، در قسمت حقوق ارتفاقی تصدیق و به رسمیت شناخته شده است.

ب) در فصل دهم، کم‌تر از سه صفحه، به ضرب‌المثل‌های معروف شهرستان سمنان اختصاص یافته است. در این فصل نیز علاوه بر انتقاد روشی در شیوه‌ی تدوین اثر، به لحاظ دوری از روش میدانی و تکیه بر

1- Case Study

2- Survey

3- Irrigator

روش تاریخی، و خصوصاً بهره‌گیری گسترده از کتاب دکتر منوچهر ستوده تحت عنوان «فرهنگ سمنانی»، صدها ضرب‌المثل مناطق شهری سرخه، مهدی‌شهر و شه‌میرزاد مورد عنایت قرار نگرفته است و معدود ضرب‌المثل‌های مطروحه نیز سمنانی می‌باشد (صص ۳۹۳-۳۹۱). کتاب «آسینک، مجموعه‌ای از ضرب‌المثل، کنایه و واژه‌های شه‌میرزادی» اثر اسماعیل خاکسار که در اوایل دهه‌ی ۱۳۷۰ ه. ش. به رشته‌ی تحریر در آمده و به‌عنوان یک اثر مهم در این حوزه می‌توانست مورد استفاده قرار گیرد، از نظر دور مانده است.

ج) در طرح بازی‌های محلی نیز «سمنان محوری» مشهود بوده و به بازی‌هایی نظیر: خوزکه، چالکه، سروته بازی، پابزن، پابلیس، هامول للی، کله قوز و خلاص توجهی نشده است و اشاره‌ی کتاب سوم به بازی‌هایی چون: شیر یا خط، هفت سنگ، عروس بازی، فرفره بازی به‌عنوان بازی‌های محلی شهرستان سمنان محل تأمل جدی است! (صص ۳۸۲-۳۷۷).

د) در توصیف پوشاک سنتی مردم سمنان، ردا در زمره‌ی پوشش سنتی مردان و شله شلوار، تنگ تنبون، روسری کجین، روسری گلابتون، روسری کنار زر از پوشش سنتی زنان و چشمک، دونی و کالچرم از جمله کفش‌های سنتی منطقه، از قلم افتاده است (فصل نهم: صص ۳۸۸-۳۸۳).

۶-۱- توضیحات غیرضروری در مورد وضعیت کشورهای در حال توسعه: حجم قابل توجهی از دفتر اول به بررسی وضعیت کشورهای جهان سوم و در حال توسعه اختصاص یافته است. در این بررسی‌ها، فرایند توسعه و نشانه‌های توسعه و عقب‌ماندگی مورد دقت نظر قرار گرفته است. اگرچه شاید برای درک بهتر و مقایسه‌ای وضعیت جمعیتی استان سمنان مناسب باشد، ولی ارتباط وثیق آن با موضوع مورد بررسی مشخص نیست (صص ۶۶-۵۵ و ۸۰ و ۱۰۷).

۷-۱- عدم بررسی بهایان: شهر سنگسر، از قدیم‌الایام محل سکونت تعداد قابل توجهی از بهایان بوده است. هژبر یزدانی، یکی از

معروف‌ترین بهایان ایران که در رژیم گذشته، جایگاه ویژه‌ای در ساختار قدرت سیاسی - اقتصادی کشور داشت، از اهالی سنگسر بوده است. بررسی وضعیت این گروه، از ابعاد مختلف، به ویژه تغییرات حاصله در اوضاع و احوال اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آنان در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی خالی از فایده نبود. در دفتر دوم، تنها در حد کم‌تر از یک سطر به این گروه اشاره شده است:

اکثر مردم ایل سنگسری (بیش از ۹۹ درصد) مسلمان و شیعه می‌باشند، معدودی نیز بهایی هستند. درصد بهاییت بعد از انقلاب اسلامی رو به کاهش است (ص ۱۳۷).

۸-۱- ضرورت توصیف و تبیین کامل‌تر موضوعات کلیدی: در تشریح «میزان مهاجرت»، به دلایل موازنه‌ی مهاجرتی مثبت به استان سمنان، به صورت گذرا و سطحی پرداخته است (صص ۹۶-۹۴ و ۱۰۷)، حال آن‌که جای بررسی عمیق‌تر و همه‌جانبه‌تر وجود داشت. بی‌توجهی

و کم‌توجهی مسئولین نظام در بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به استان مازندران، با این استدلال که این منطقه، استانی برخوردار و سرسبز است، و نیازی به طرح و برنامه‌های توسعه‌ی صنعتی ندارد، به‌علاوه، رکود شدید صنعتی و تعطیلی برخی از مهم‌ترین کارخانه‌ها و صنایع، از جمله کارخانه‌های نساجی در قائم‌شهر، و در مقابل توجه ویژه به استان سمنان در برنامه‌های توسعه صنعتی به‌عنوان یک قطب صنعتی به مهاجرت مازندرانی‌ها به استان هم‌جوار (سمنان) کمک کرد.

در حال حاضر، در سطح استان سمنان، بیش از ۱۲۰۰ کارگاه و کارخانه با بیش از ۳۰/۰۰۰ کارگر صنعتی مشغول به کار هستند، حال آن‌که در قبل از انقلاب، تعداد کارخانه‌ها از ۲۰ کارگاه و کارخانه‌ی صنعتی تجاوز نمی‌کرد. این توجه ویژه از سوی مسئولین و برنامه‌ریزان نظام، در توسعه‌ی صنعتی به استان سمنان در مهاجرت‌پذیری بسیار مؤثر بوده است. مضافاً، اگر میزان مهاجرت‌پذیری در سطح شهرهای

بالقوه، جمعیت فعال بالفعل، جمعیت غیرفعال، میزان فعالیت عمومی، بار جمعیتی، اشتغال، بی‌کاری و بار تکفل خالص و ده‌ها اصطلاح دیگر عملاً بخش قابل توجهی از حجم ۱۱۰ صفحه‌ای این دفتر را تحت‌الشعاع قرار داده، و سطح اثر را نیز بیش‌تر به سطح یک کتاب درسی و آموزشی تقلیل داده است (صص ۱۲۶-۲۷).

۲-۲- بهره‌گیری از منابع و مآخذ محدود: نگاهی سطحی به منابع و مآخذ مورد استفاده در هر سه دفتر، نشان می‌دهد (صص ۱۲۷، ۱۲۸، ۲۹۸ و ۵۴۳) که:

اولاً: از منابع جدید فارسی کم‌تر استفاده شده است. در بهترین حالت، از منابع و مراجع منتشره در پنج ساله‌ی اخیر استفاده نشده است. مثلاً در صفحه‌ی ۵۹ به استناد کتاب ترجمه شده‌ای در سال ۱۳۶۸ [۱۹۸۹]، آمار جمعیت شاغل در کشور نپال، امریکا و انگلستان ارایه می‌شود که محل تأمل است. در حالی که اطلاعات سال گذشته برای یک سال بعد قابل اتکا و استناد نیست، چه‌گونه می‌توان از این‌گونه آمار و ارقام در تشریح

استان به تفکیک مورد توجه قرار گیرد، مشخص می‌شود که بخش اعظم مهاجرین، به شهرهای گرمسار و سمنان وارد شده‌اند و این تفاوت در میزان مهاجرت، از زمینه‌ها و بسترهای دیگری خبر می‌دهد که خود مجال جداگانه‌ای را می‌طلبد.

۲- نقد روشی

۲-۱- تمرکز بیش از حد بر توضیح مفاهیم و واژه‌ها: تمرکز و تأکید بیش از حد و غیرمتعارف در تعریف و توصیف مفاهیم و اصطلاحات جمعیت‌شناسی، ساختار اثر را دست‌خوش آسیب ساخته؛ تا جایی که دفتر اول، بیش‌تر به «فرهنگ یا مبانی جمعیت‌شناسی» شباهت پیدا کرده و هدف و موضوع اصلی و اولیه، بعضاً در حاشیه قرار گرفته است. تعریف مفاهیم و واژه‌هایی چون: جمعیت، جمعیت‌شناسی، ترکیب جنسی، توزیع سنی جمعیت، میانگین سنی، میانه‌ی سنی، توزیع جغرافیایی جمعیت، تراکم زیستی، میزان شهرنشینی، میزان روستانشینی، فعالیت، جمعیت فعال، جمعیت فعال

معصومه خواجه‌ای در دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکز. - امکان‌سنجی توسعه‌ی توریسم در شهمیرزاد، اثر آقای علیرضا صوفی درویش در دانشگاه شهید بهشتی قابل ملاحظه و بهره‌برداری است که به آن‌ها رجوع نشده است.

- ثالثاً: برخی مراجع و منابع اصلی و مهم مورد توجه قرار نگرفته‌اند. به‌عنوان نمونه کتاب‌های:

- التدوین فی احوال جبال شروین، اثر محمدحسن خان اعتمادالسلطنه

- آسینک، اثر آقای اسماعیل خاکسار

- قلاع اسماعیلیه در رشته کوه‌های البرز، اثر آقای منوچهر ستوده

- سفرنامه فریزر معروف به سفرنامه زمستانی اثر جمیز بیلی فریزر

رابعاً: از منابع روزآمد و متنوع لاتین و اینترنتی بهره‌برداری نشده است. با توجه به ضعف پژوهش‌های علمی در جامعه‌ی ایران و - در مقابل - گستردگی و غنای ادبیات پژوهشی حوزه‌های علمی مختلف به زبان‌های علمی و از جمله انگلیسی، توانمندی

مباحث سود جُست؟ در صفحه‌ی ۹۳ دفتر اول، در توضیح مهاجرت، به طبقه‌بندی خاصی اشاره شده که مستند این طبقه‌بندی کتاب ترجمه‌ای از دنیس رانک تحت عنوان «جمعیت و جامعه» است که در سال ۱۳۴۹ توسط آقای اسدا... معنوی ترجمه و منتشر شد. تاریخ این تنها منبع مورد استناد، گویاتر از هرگونه تعبیر و تفسیری است.

ثانیاً: از پایان‌نامه‌های دانشجویی به‌صورت بسیار محدود استفاده شده است. در دهه‌ی اخیر، تعداد قابل توجهی از دانشجویان، مسایل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تک‌تک شهرهای استان سمنان را دست‌مایه‌ی پژوهش‌های خود قرار داده، و به یمن تعدد مراکز دانشگاهی، تعداد این قبیل پایان‌نامه‌ها به ده‌ها نسخه می‌رسد. به‌عنوان نمونه تنها در مورد شهمیرزاد پایان‌نامه‌هایی چون:

- بررسی مسایل جغرافیایی شهمیرزاد، اثر آقای مهران مقصودی در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.

- بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی شهمیرزاد، اثر خانم

مفهوم قوم به معرض نمایش می‌گذارد (ر.ک به: مقصودی، ۱۳۸۰).

۲-۵- تأملات شخصی به جای
ارایه‌ی تعاریف دقیق: دفتر سوم به «فرهنگ عامه» اختصاص یافته است. در این دفتر بدون ارجاع به منابع و مآخذ و بدون ارایه‌ی تعریف کامل و جامع با مستندسازی‌های دقیق و نیز شناسایی ابعاد و مؤلفه دخیل در فرهنگ عامه، تنها به تأملات شخصی اکتفا شده، و در حد یک صفحه به توضیح فرهنگ عامه پرداخته است (صص ۳۱۱ و ۳۱۲). اما درخصوص واژه‌های فرهنگ و مردم‌شناسی توضیحات مبسوط و غیرضروری ارایه شده که ارتباط جدی آن با این دفتر محل تردید است (صص ۳۱۵-۳۱۲).

۲-۶- جایگاه «نژاد و زبان» در فرهنگ عامه: طرح بحث در مورد نژاد و زبان، در دفتر سوم یا «فرهنگ عامه» محل تأمل است. جایگاه اصلی این دو مقوله بیش‌تر در حوزه‌ی فرهنگ است تا فرهنگ عامه (صص ۳۸۰-۳۶۵).

محققین در دسترسی و بهره‌گیری از این منابع، یکی از معیارهای ارزیابی پژوهش‌های علمی تلقی می‌شود. در کل کتاب حتی یک منبع لاتین و غیرفارسی مورد استناد قرار نگرفته است.

۲-۳- بهره‌گیری از روش پژوهشی نامناسب: روش تاریخی و اسنادی، مبنای اصلی تدوین کتاب «سیمای استان سمنان» است و گرایش به تحقیقات میدانی و پیمایشی در حاشیه قرار دارد. درحالی‌که انتظار می‌رفت پژوهشگران بومی، به لحاظ فرصت‌ها و امکانات زیادی که در اختیار دارند، با استفاده از روش‌های میدانی اقدام به پژوهش‌های اصیل و دست‌اول نمایند، ولی این اثر نیز دست‌خوش بهره‌گیری از منابع دست‌دوم یا دست‌چندم شد، و به جای تولید دانش و یافته‌های جدید، صرفاً به توصیف و گردآوری اطلاعات قبلی بسنده کرد.

۲-۴- یکسان‌نگاری قوم با عشایر: تلقی یکسان از قوم با عشایر، محل انتقاد و اشکال جدی است، چرا که برداشت تقلیل‌گرایانه‌ای را از

۳- نقد شکلی

۳-۱- *تقلیل سطح کتاب به یک گزارش اداری*: رعایت سلسله مراتب اداری و درج «مقدمه» ای به قلم استاندار وقت استان سمنان و «سخنی با خواننده» از سوی مدیر کل اجتماعی و انتخابات استانداری ساختار اثر را به متنی اداری تبدیل نموده است.

۳-۲- *شناسنامه‌ی مفصل ولی ناقص*: علی‌رغم شناسنامه‌ی مفصل یک صفحه‌ای برای کتاب، که درج برخی مشخصات غیرضروری نیز می‌باشد، محل نشر و قیمت کتاب از قلم افتاده است و معلوم نیست در صورت نیاز به اکتیاف کتاب، چه قیمتی برای آن باید پرداخت (ص دو).

۳-۳- *قلم زیرنویس بزرگ‌تر از قلم متن*: یکی از نکات مهم در آماده‌سازی کتاب، توجه در به کارگیری قلم‌ها در تایپ است. یک‌دستی قلم مورد استفاده و کوچک‌تر بودن قلم زیرنویس به نسبت متن در دفتر دوم رعایت نشده، و این امر موجب دوگانگی در استفاده

از قلم‌ها و درج زیرنویس‌ها میان دفتر دوم با دفتر اول و سوم شده است. تغییر و انتخاب قلم بزرگ‌تر در درج عناوین کتاب‌ها و نام مجلات در زیرنویس‌ها و فهرست جداگانه منابع و مآخذ نیز در هیچ کدام از دفاتر مورد توجه قرار نگرفته است (صص ۱۲۷، ۱۲۸، ۲۹۸ و ۵۴۳).

۳-۴- *ضرورت یکپارچه‌سازی ارجاعات*: هر چند منابع و مآخذ هر دفتر جداگانه درج شده است، ولی با این موضوع ضرورت تدوین یکپارچه و کامل منابع هر سه دفتر در انتهای کتاب را منتفی نمی‌سازد؛ زیرا این امر موجب می‌شود که خواننده در مراجعه به منابع، دچار تشتت و پراکندگی نشود. از جمله مزیت‌های دیگر انتشار کامل و یکپارچه‌ی منابع، پرهیز از بروز دوگانگی و چندگانگی در درج ارجاعات است. مثلاً در صفحات ۲۹۸ و ۵۴۳ که فهرست منابع دفتر دوم و سوم درج شده است، این دوگانگی در مشخصات کتاب «گرمسار» اثر نوش‌آذر اسدی مشهود است؛ در حالی که در صفحه‌ی ۲۹۸، عنوان کتاب، «گرمسار، سرزمین

۳-۶- سازمان‌دهی چندگانه: سازمان‌دهی، کتاب از الگوی واحد و یکسانی تبعیت نمی‌نماید. در دفتر اول و دوم از کتاب سیمای استان سمنان در دسته‌بندی مباحث از عنوان «بخش» استفاده نگردیده و مطالب به صورت «فصل» دسته‌بندی شده است؛ در حالی در دفتر سوم، مباحث مرتبط با فرهنگ عامه ۱۱ و ۴ بخش و ۲۳ فصل تقسیم و تفکیک شده است. جدای از دوگانگی مطروحه؛ فصول این دفتر گاه از سه صفحه تجاوز نمی‌کند (فصول اول و سوم از بخش اول، فصل چهارم از بخش سوم، فصل سوم از بخش چهارم دفتر سوم). به علاوه معلوم نیست چرا دفتر اول از فصل دوم شروع می‌شود!

۳-۷- اغلاط تایپی: هرگاه اغلاط تایپی اندک باشد و تأثیرات جدی در محتوا و مضمون کتاب نیز نداشته باشد، امری پذیرفتنی است. بدین لحاظ طرح آن‌ها را ضروری نمی‌بینیم، ولی مهم‌ترین اشتباه تایپی که عملاً مفهوم متن را دگرگون می‌سازد، واژه‌ی «دموگرافی» یا جمعیت‌شناسی است که اشتباهاً «دموکراسی» تایپ شده است (ص ۲۷).

خورشید درخشان» و محل نشر آن «تهران» ذکر شده و اشاره‌ای به ناشر نشده است، و در صفحه ۵۴۳ عنوان کتاب «گرمسار (خواری)» و محل نشر آن «بی‌جا» و ناشر آن «بی‌نا» درج شده است. این دوگانگی و احیاناً چندگانگی‌ها، در صورت تدوین کتاب‌نامه‌ای یکپارچه، به سرعت قابل شناسایی و رفع خواهد بود. تکرار چند باره‌ی مشخصات کامل و شناسنامه‌ای کتاب نیز مرسوم نبوده، و پیشنهاد می‌شود در ارجاعات تکراری، از شیوه‌ی رایج استفاده شود (ر.ک. به: صفحات ۱۵۳، ۱۵۴ و ۱۵۷).

۳-۵- عدم تفکیک نقل قول‌های مستقیم از غیرمستقیم: این موضوع یکی از ایرادات وارد بر کتاب محسوب می‌شود. در مواردی که نقل قول‌ها مستقیم است تغییری در نحوه درج، بهره‌گیری از قلم‌های تایپی متفاوت، یا فشردگی متن ملاحظه نمی‌شود. مثلاً در نقل قول از کتاب «مطلع الشمس» اثر صنیع‌الدوله وزیر ناصرالدین شاه، یا متن مورد استناد از مینورسکی (صص ۱۵۱-۱۴۹)، این مسأله قابل مشاهده است.

۳-۸- فقدان نمایه: وجود نمایه در انتهای کتاب، متن را کامل و امکان دسترسی به موضوعات و مباحث مورد علاقه‌ی مخاطبین را آسان‌تر می‌سازد؛ حال آن‌که کتاب سیمای استان سمنان فاقد آن است.

۳-۹- دوگانگی در شماره‌گذاری صفحات: برخی از ناشران در صفحه‌آرایی کتاب برای جداسازی مقدمات اثر از متن اصلی، از شماره‌گذاری‌های دوگانه استفاده می‌نمایند. در این شیوه، فهرست مطالب، مقدمه، پیش‌گفتار با شماره‌گذاری حروفی، و متن اصلی با شماره‌گذاری عددی و از صفحه‌ی یک آغاز می‌شود. در کتاب سیمای استان سمنان، تا صفحه‌ی ۱۶، شماره‌ی صفحه در ذیل صفحات و به حروف چاپ شده و از چند صفحه بعد، بدون شماره‌گذاری جدید و با ادامه همان شماره‌ها، با جابه‌جا شدن محل شماره صفحه به حاشیه سمت راست و چپ کتاب به صورت عددی درج شده است که نه تنها این دوگانگی موضوعیت نداشته، بلکه استدلال‌پشتوانه‌ی این اقدام مشخص

نیست، بلکه با روال معمول نیز هم‌خوانی ندارد.

۳-۱۰- ساختار نامناسب فصل کلیات: فصل اول از دفتر اول کتاب با عنوان «کلیات» آغاز می‌شود. این کلیات که در واقع کلیاتی برای کل کتاب (نه دفتر اول) تلقی می‌شود، شامل موقعیت جغرافیایی، تاریخچه‌ی تقسیمات کشوری در استان سمنان و آب و هوا است. در مطالعه‌ی گذرای این فصل این سؤال مطرح می‌شود که چرا کلیات کتاب با چنین ساختاری تألیف و تدوین شده است؟ و اصولاً چه ضرورتی به طرح تاریخچه‌ی تقسیمات کشوری در کلیات وجود داشته است؟ به نظر می‌رسد، اگر به جای پرداختن به تاریخچه‌ی تقسیمات کشوری، وجه تسمیه استان سمنان و شهرهای تابعه بیان می‌شد، به اهداف اثر نزدیک‌تر بود.

۳-۱۱- کیفیت و انتخاب نامناسب عکس‌ها: تصاویر مندرج از نظر کیفیت، سطح مطلوبی نداشته و به لحاظ موضوعی نیز بسیار محدود است، به طوری که تنها دو تم اصلی و غالب سنتی و محدود؛ یعنی،

به همه‌ی پژوهشگران علاقه‌مندان به استان سمنان و مردم خون‌گرم آن مطالعه‌ی این کتاب پیشنهاد می‌شود. امیدوارم مسؤولین استانداری از ظرفیت‌های بالقوه‌ی موجود در حوزه پژوهش و تحقیق، در سطح استان، به نحو احسن بهره‌گیرند.

مجتبی مقصودی

«زندگی عشایری» و «عزاداری» را مورد توجه قرار داده بود.

ج) امتیازات اثر

علی‌رغم انتقادات و پیشنهادات مطروحه، اقدام مثبت استانداری استان سمنان در حمایت از تحقیقات بومی و منطقه‌ای، سامان‌دهی به مطالعات پراکنده، و انتشار کتاب «سیمای استان سمنان» جای تشکر و تقدیر دارد. بی‌انصافی است اگر از پژوهشگران و دست‌اندرکاران پرتلاش این مجموعه که با قبول تنگناها، مشکلات و سختی‌ها، و علی‌رغم محدودیت امکانات، با همتی بلند این تحقیقات را به سامان رساندند قدردانی نگردد.

بی‌شک، کتاب سیمای استان سمنان، از منابع و مراجع مورد استناد در مطالعات سمنان‌شناسی خواهد بود و بسیاری از سرفصل‌ها و عناوین مورد اشاره، می‌تواند دست‌مایه‌ی پژوهش‌های گسترده‌تر و عمیق‌تر پژوهشگران گردد.

مشخصاً، نگاه انتقادی به اثر، نافی ارزشمندی آن نبوده، و در همین جا،

منابع :

- ۱- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰)؛ تحولات قومی در ایران، علل و زمینه‌ها، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.